

کلام امروز

شماره 1051 – جدا شدن

شبان دوگ شرودر

مسیحی در کشمکشی زندگی میکند بین اینکه خود را از گناه جدا سازد و از شرارت دوری کند و یا با گناهکاران معاشرت کند ، گاهی از معاشرت با کسانی که درگیر گناه و اعمال شرارت آمیز و خدا شناسانه هستند دوری میکند، اما در عین حال درون خود نیازی احساس میکند که بیرون برود و با گناهکاران و کسانی که غرق در اعمال شرارت آمیز هستند تماس بگیرد و به آنها محبت کند و از آنها دعوت کند که به سوی مسیح بیاند و اعمال دنیائی خود رو ترک کنند و به مسیح ایمان بیارند. مسیحی دائم درگیر این کشمکش درونی هست. از طرفی ما می‌خواهیم عیسی مسیح رو معرفی کنیم و میدونیم برای نشان دادن محبت مسیح به کسی باید با او دوستی کنیم . اما از طرفی باید مراقب باشیم چون شیطان و دنیا سعی خواهند کرد ما رو فریب دهند و ما رو وسوسه کنند تا به دام آنها بیفتیم و تعهدمان به عیسی مسیح رو رها کنیم. بنا بر این ، این اشتیاق و این احساس میتونه بالا و پائین بشه و موجب افراط یا تفریط بشه. از طرفی تا مدتی شاید یکی دو هفته یا یکی دو ماه شما این نیاز شدید برای دوستی با کسانی که عیسی رو نمیشناسند در خود

احساس کنید، به اونها محبت کنید و سعی کنید با اونها صمیمی بشید و اونها رو هدایت کنید و به اونها نمونه ای از خدانشناسی نشون بدید. اما بعد از چندین هفته یا چندین ماه این میتونه عوض بشه. شاید احساس شما شروع کنه به عوض شدن چون چیزهایی از شرارت شنیدید و اعمال خطا رو دیدید و شاید خشم شما نسبت به خدانشناسی دنیا شعله ور بشه و شما بعد از اون تا مدتی ممکنه احساس کنید دیگه دلتون نمیخواد که هیچ کاری در این مورد بکنید. دلتون میخواد فقط مسیح رو معرفی کنید و نمیخواهید درگیر کارهای خدانشناسانه و دنیائی اونها بشید. از این واقعیت آگاه باشید که این تقریباً مثل امواج اقیانوس هست، مثل جزر و مد هست، احساسی قوی به یک طرف یا طرف دیگه تقریباً در طی یک دوره در زندگی شما از الگوی خاصی تبعیت میکنه. این برای ما کاملاً طبیعی هست. از این آگاه باشید و فکر نکنید الزاماً مشکلی در ایمان شما هست. چون شما نمیتونید همیشه و در هر حالی مهربان و با محبت باشید. گاهی شما احساس ناراحتی و خشم در مقابل گناه خواهید کرد و احساس خواهید کرد میخواهید از اونها جدا بشید. فقط مراقب تغییر موقعیتها باشید و از اون آگاه باشید. این بخشی طبیعی از ایمان هست. امروز وقتی این رو ضبط میکنیم میخوام شما رو به بحثی در دوم قرنیتان 6 دعوت کنم. اونجا که از آیه 14 شروع میکنه و از این بحث میکنه که زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان نروید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را با ظلمت چه شراکت است؟ چه توافقی بین مسیح و ابلیس وجود دارد و چه هماهنگی بین ایماندار و بی ایمان؟ و یا چه وجه اشتراکی بین خانه خدا و بت ها هست؟ زیرا ما خانه خدا هستیم، چنانکه خدا فرموده است: «من در

ایشان ساکن خواهم بود و در میان آنها بسر خواهم برد. من خدای زنده ایشان خواهم بود و آنان قوم من. اون قسمت آخر آیه در دوم قرن‌تیان 6 در مورد راه رفتن خدا در بین قوم خودش صحبت می‌کنه، در مورد زندگی کردن خدا در بین اونها و اینکه او خدای آنها خواهد شد. این ارجائی به عهد قدیم و به شرایطی هست که بنی اسرائیل عملاً حضور خدا رو در بین خودشون داشتند. یک خیمه پرستش وجود داشت و جلال خداوند هر روزه در طی روز خودش رو مانند ستونی از ابر در اونجا نمایان می‌ساخت و شبها مانند ستونی از آتش پدیدار میشد. جلال خدا به همراه اونها سفر میکرد. وقتی اون حرکت میکرد مردم چادرها رو بر می‌چیدند و به دنبال جلال خدا حرکت میکردند. وقتی اون توقف میکرد مردم هم توقف میکردند. خدا عملاً در بین اونها حضور داشت و اونها باید انواع آئین‌های مذهبی و قوانین رو به جا می‌آوردند، آداب شستشو و غسل و قوانین مربوط به خوراک‌ها را رعایت میکردند و هر کاری که لازم بود به جا می‌آوردند و نهایت سعی و تلاششون رو میکردند تا اینکه مقدس و پاک و کامل باشند. چون خدای مهیب کاملی رو خدمت میکردند. اون اشاره به جدا شدن در دوم قرن‌تیان 6 در مورد این هست. حالا این آئین‌ها و قوانین، اسرائیلی‌های باستان رو بطور گسترده‌ای از دیگر فرهنگ‌ها و ملت‌های هم‌جوار متمایز میکرد. اگر بخواید بدونید این اسرائیلی‌ها چقدر تفاوت اساسی داشتند و چقدر با دیگر فرهنگ‌ها متفاوت بودند به آئین قربانی اونها نگاه کنید، در حالیکه اسرائیلی‌ها بره‌ای رو بعنوان قربانی تقدیم میکردند، دیگر ملت‌ها فرزندان خودشون رو برای بت‌ها قربانی میکردند. اونها انسانها رو بر روی مذبح می‌سوزاندند. اونها برای فرو نشاندن خشم

خدایانشان فرزندان خود را میسوزاندند. اسرائیلی ها تقدیس شخصی رو مراعات میکردند و بدنهایشان را با اعمال جنسی خارج از قوانین آلوده نمیکردند، درحالیکه اقوام دیگر معبدی داشتند که فاحشه ها در آنجا با زائرین رابطه جنسی برقرار میکردند. اونها تحت عنوان مذهب روابط جنسی نامشروع داشتند. وقتی صحبت از پاکی شخصی و ایمان هست دیگه تفاوت بیشتر از این لازم نیست. پس اسرائیلی ها به لحاظی باید متفاوت میبودند. حالا این دعوت خاص از بنی اسرائیل برای جدا شدن از دیگر اقوام، در زمان خروج اسرائیلی ها از اسارت بابل که به مدت دو نسل در آنجا اسیر بودند نیز دیده میشود. انبیاء یک بار دیگه از مردم دعوت کردند که به اورشلیم بازگردند و خدا گفت: از میان آنها خارج بشید و خود را تقدیس نمائید یعنی جدا بشید و راههای دنیائی اونها رو پیروی نکنید. این پیغام بسیار مهمی برای مسیحیان و افرادی هست که میخواهند در صمیمیت با خدا رشد کنند. در مرحله ای شما باید خودتون رو تقدیس کنید. در مرحله ای باید بگید که اعمال دنیائی رو انجام نخواهید داد و از رفتار اونها تبعیت نخواهید کرد. خدا قدوس و عادل هست و عیسی مسیح تمام خلوص و پاکی و نیکوئی رو به دنیا نشون میده. او محبت خدا رو نشون میده و اگه شما میخواید پیرو عیسی مسیح باشید، در نقطه ای باید بگید که متفاوت خواهید بود. و تمام این کارهائی رو که دنیا انجام میده انجام نخواهید داد. چیز های زیادی خواهد بود که من انجام نخواهم داد چون من به عیسی مسیح ایمان دارم. هدف ما اینه که خدا رو خشنود کنیم، نه اینکه کس دیگری رو راضی کنیم. اگه اونا اینو دوست ندارند، مشکل خودشون هست. اولین هدف این هست که به خدا نزدیک تر بشیم. عیسی از این صحبت

کرده که یوغ مرا بر خود گیرید. یوغ تکه ای چوب بوده که روی شانه دو گاو نر میبستند و اونها با هم یا یک گاری رو میکشیدند و یا شخم میزدند. منظور عیسی در اینجا این هست که با کمک او و در کنار او برای هدفی مشترک کار کنیم. عیسی از این مطلب صحبت کرده و از مردم خواسته که زیر یوغ او بروند. او خودش رو نرم خو و دلسوز توصیف میکنه و کسی که بیاد و با عیسی در یک راستا قرار بگیره به لحاظ روحانی زیر یوغ عیسی قرار بگیره، او حتی گفته یوغ مرا بر خود گیرید و گفته یوغ او سبک هست. خوب این به ما تسلی میده چون که وقتی ما با عیسی هم راستا بشیم به ما ناسزا خواهند گفت، ما رو مسخره خواهند کرد و به ما آزار خواهند رساند. فقط یادتون باشه وقتی سخت ترین مشکلات و امتحانات زندگی پیش میاد، البته بدترین همه اینها مرگ هست، اینجا عیسی به ما وعده میده که به ما متصل شود. وعده میده که به ما کمک کنه همه این چیزها رو بکشیم. آیا وعده های بیکران عیسی رو میبینید و زیبایی کلام او رو درک میکنید وقتی میگه یوغ مرا بر خود گیرید؟ از طرفی، یک باری هست چون که دنیا ما رو دوست نخواهد داشت. وقتی ما جدا بایستیم و بگیم نه! من این مواد مخدر رو مصرف نخواهم کرد، من مست نخواهم کرد من لآبالی و بی قید و شهوتران نخواهم بود، و دنیا این رو نخواهد پسندید چونکه ما باعث میشیم که اونها بد بنظر بیاند. از طرف دیگه عیسی اونجا هست که به ما در امتحانا و کشمکش های زندگی کمک کنه. ما تنها با آزار و اذیت مواجه نخواهیم شد بلکه یکی از بزرگترین و سخت ترین چیزهایی که نمیتونیم با قدرت خودمون از اون عبور کنیم مرگ هست. بنا براین وعده عیسی بطور شگفت انگیزی زیبا هست که

وقتی زیر یوغ او برویم به ما کمک خواهد کرد بار مرگ رو بر دوش بکشیم. اینجا در قرن‌تیان به ما می‌گه مراقب باشیم که با افرادی مشارکت نکنیم که در جهت مخالف روحانی با ما هستند. بسیاری از مفسرین مسیحی گفته اند که منظور این بوده که با غیر ایمانداران ازدواج نکنید. من فکر میکنم که این هم حقیقت داره. من فکر میکنم ازدواج کردن با کسی که مخالف ایمان شما هست و میتونه شما رو به سوی دیگری بکشه، بازی خطرناکی هست. شما باید سعی کنید این شخص رو به رابطه ای با عیسی مسیح بیارید تا بتونید با او هماهنگ و متحد بشید. هدف از ازدواج همدلی هست یعنی داشتن یک قلب و فکر و روح. مراقب باشید شرایطی بوجود نیارید که کسی شما رو با زور از رابطه با عیسی مسیح دور کنه. این ثمری نخواهد داشت. ما همینطور به واژه پرستش فکر میکنیم، پولس اساساً این کلمات رو برای قرن‌تیان مینویسه، چونکه در کلیسای قرن‌تس پرستش مسیحیان با فستیوال‌های بت پرستان مخلوط شده بود. این مسخره هست. این مثل مشارکت تاریکی با نور هست، مثل شیطان پرستی با مسیحیت اونها ابداً با هم مخلوط نمیشنند. پولس اونها رو برای این توبخ میکنه. همینطور در تجارت نیز شما باید با کسانی مشارکت کنید که از ایمان و اصول درست مسیحی پیروی میکنند. واضح هست که ما نمیخواهیم از اشخاصی که به محبت عیسی مسیح نیاز دارند دوری کنیم، اما در عین حال ما نمیتونیم شبیه دنیا بشیم و نمیتونیم رابطه خودمون با عیسی مسیح رو آبی کنیم تا اینکه خودمون رو با روش خدان شناسانه وفق بدیم. در نقطه ای ما باید بگیم نه! ما این کار رو نخواهیم کرد. احتیاط کنید و اطمینان حاصل کنید که در رابطه هایتان اولویت با عیسی مسیح باشه و

کسی نتونه شما رو از مسیح جدا کنه، شما همیشه با او متحد خواهید بود و زیر یوغ او قرار خواهید داشت. در دیگر رابطه هایتان به دنبال این باشید که این مردم رو به همراه خودتون به سوی عیسی بیارید، هرگز گمراه نشید، هرگز ناجی خودتون رو بخاطر هیچ رابطه ای ترک نکنید. این یک مصیبت و فاجعه هست. بجای اون در صدد باشید در تمامی رابطه هایتان دوستانتان را به هماهنگی و به موازات رابطه خودتون با عیسی مسیح هدایت کنید.